

« کورش بزرگ »

در رسته رسته‌ی نور، در شعله شعلی‌ی پاک	در ابتدای تاریخ، شاخی سنگینت در خاک
از تخت‌گاه شیران، از فره‌های جمشید	از راه دور آمد، از بام کوه خورشید
استوره‌ای خدایی، شاین آسیایی	شاهی و شهریاری از جنس آریایی
چشمی به سوی فردا، رویی به روی ناهید	یک دست حلقه‌ی مهر، دستی به جام جمشید
شاهی به نام کورش، از خاک خوب انشان	با دست‌های بخشش، با چشم‌های خندان
پندار نیک و رفتار، کفایت آسمانی	منور مهر در دست، آیات ارغوانی
برود با مکافات، جنگ و ستیز انسان	برود با خیانت، با کرد و کار شیطان
افسانه‌ساز و افون، شاهی سترگ و فرزانه	شاهی ورای انسان، از دوده‌ی دلیران
تندیس جاودانی، از چهره‌های مانا	تک چهره‌ای درخشان، مهر آفرین و رخشا
شادی و شورمندی، افروزه‌های ایمان	سازندگی به آیین، آزادگی به میزان
از کوه رحمت آمد، سوزنده‌تر ز خورشید	بالی گشود از مهر، در آسیا درخشید
تقاش مهر و آزر، نقشی ز جاودانه	مردی ز بی‌کران بود، شبانه زمانه
از فره‌ی خدایی بد فره‌های کورش	فره‌نگ ما برآمد از فره‌های کورش
شیران شیرزده‌ی مهر، همراه‌های ایران	ایران به نام کورش، کورش به نام ایران
تا این سپهر گردد، پیاست نام کورش	تا شلخ‌تاک جوشد، جوشاست نام کورش